



نقدی بر دیدگاه رشید رضا در توسل به صالحان

محمد فرقان*

چکیده

توسل به صالحان یکی از مسائل ریشه‌دار اعتقادی در فرهنگ اسلامی است که ابن‌تیمیه و پیروان او در آن شک و تردید کرده‌اند. رشید رضا از جمله کسانی است که سخت روی این مسئله انتقاد داشته است و واسطه‌گری میان انسان و خالق را به هر نحوی که باشد، منافی توحید دانسته است؛ از این رو در تفسیر المنار بارها آن را رد کرده است. او برای اثبات دیدگاه خود به دلایلی مانند منافی بودن توسل با خلوص در عبادت، عنصر شرک در توسل و نفی استعداد وسیله بودن در انبیا و اولیا تمسک جسته است. مقاله حاضر با روش انتقادی و با تکیه بر آیات و روایات، به نقد محتوای استدلال‌های رشید رضا پرداخته است. نتیجه آن که برخلاف پندار وی، واسطه‌گری با خلوص در عبادت منافاتی ندارد؛ چون واسطه‌گری صالحان اصلاً عبادت آنان نیست؛ عبادت، خضوع در برابر کسی است که پرستشگر، او را اله (مالک مدبر) بیندارد. قرآن کریم در آیات متعددی سلطه غیبی انسان‌های ویژه را فی‌الجمله ثابت می‌کند و اگر مقتضای روح ایمان، نفی مطلق سلطه‌های غیبی غیر خداوند باشد، بایستی وجود چنین آیاتی را مخالف روح ایمان قلمداد کرد.

کلیدواژه‌ها: رشید رضا، توسل به صالحان، واسطه‌گری، توحید و شرک، شفاعت، مفهوم عبادت.

* فارغ‌التحصیل مؤسسه دار الإعلام لمدرسة اهل البيت (علیهم‌السلام) و دانشجوی دکتری تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، جامعة المصطفی (علیه‌السلام) العالمیه.

مقدمه

رشید رضا یکی از شخصیت‌های مؤثر در مصر یا حتی در جهان اسلام است. وی فعالیت‌های ترویجی و تبلیغی زیادی انجام داده است؛ به‌ویژه از طریق مجله المنار که از سال ۱۸۹۸م به مدت ۳۷ سال منتشر می‌شده است، او از حرکت وهابیان تأثیر فراوانی پذیرفته که بیشتر دلایل سیاسی داشته است و در کتاب‌های متعدد خود آن را نشان داده است. وی در مسئله توسل نیز اغلب با دید منفی وارد قضیه شده است و نگاه حداقلی را نسبت به توسل ترویج کرده است. مسایل و مبانی متعددی به توسل گره خورده است، از تعریف عبادت، مفهوم توحید و شرک و وسیله گرفته است تا مقام‌های انبیا، اولیاء و صالحان و کارهای خارق‌العاده‌ای که از آن‌ها صادر می‌شده است. گویا توسل به صالحان لایه ظاهری قضیه است و مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی بسیاری دارد که اختلاف بر سر آن‌ها، به اختلاف در مسئله توسل انجامیده است.

ضرورت این بحث از آن جهت است که نقد اندیشه‌های رشید رضا، به‌ویژه در مسئله توسل، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. این درحالی است که رشید رضا با کوچک‌ترین بهانه به این مسئله ورود کرده است و از آن انتقاد کرده است. ازجمله پژوهش‌هایی که به اندیشه‌های رشید رضا پرداخته است مقاله‌ای با عنوان «توسل و توحید در مقارنه دیدگاه علامه طباطبایی و رشید رضا» است که حسنعلی نوروزی و سیدحسن نوراللهی نگاشته‌اند و با مقایسه دو دیدگاه به این نتیجه دست یافته‌اند که رشید رضا به مراتب بیشتر از علامه طباطبایی به مسئله توسل پرداخته است. این نوشته فقط در حد مقایسه بوده است و از نقد دیدگاه طرفین ابا داشته است. همچنین پایان‌نامه «توحید و شرک از دیدگاه محمد رشید رضا؛ بازخوانی و نقد»، توسط خانم بتول فیاض به نگارش در آمده است. اما ثقل اصلی این نوشته مباحث نظری توحید و شرک است و به فروع آن، ازجمله توسل به صالحان، کمتر پرداخته شده است. پایان‌نامه‌ای دیگر با عنوان «توسل از دیدگاه سلفیه»، که در جامعه‌المصطفی شعبه مشهد دفاع شده است، دیدگاه رشید رضا را به‌طور ضمنی مطرح و نقد کرده است. با توجه به پیشینه یادشده می‌توان نتیجه گرفت که

نقد دلایل رشید رضا در خصوص واسطه‌گری صالحان به‌طور مستقل ضرورت دارد. نوشته حاضر دیدگاه رشید رضا درباره توسل به صالحان را بررسی و تحلیل می‌کند و صحت و سقم آن را با عرضه آن بر کتاب، سنت و عقل تبیین می‌کند. البته به‌جای نقد روشی، جنبه محتوایی استدلال‌ها را مدنظر قرار می‌دهد. برای این منظور دیدگاه وی همراه با ادله، مطرح و سپس نقد می‌شود. اما قبل از آن لازم است دیدگاه او راجع به برخی مفاهیم تبیین شود.

مفهوم توسل و وسیله از نظر رشید رضا

توسل، استغاثه و طلب شفاعت سه مفهوم جداگانه به حساب می‌آیند،^۱ اما رشید رضا توسل را به‌معنای وسیع‌تری به کار برده است؛ به این معنی که قایل شدن هر نوع واسطه میان انسان و خدا را توسل نامیده است. چنان‌که می‌گوید:

در قرون وسطی توسل به صالحان پدید آمد؛ به این معنی که آن‌ها را «وسائل الی الله» نام‌گذاری می‌کنند و از طریق آنان به خداوند قسم می‌دهند، نیز حوایج خود را از آنان مسئلت می‌نمایند و برای دفع مضرات و جلب منافع نزد قبور آنان می‌روند یا از راه دور سؤال می‌کنند.^۲

در المنار در ذیل عنوان «توسل به انبیا و صالحان» او این واژه را چنین توضیح می‌دهد:

آنچه امروز به‌عنوان توسل معروف شده است این است که انسان برای برآورده شدن حاجت خود، اعم از جلب نفع، رفع مصیبت، نجات از عذاب خداوند در آخرت یا رسیدن به بهشت به اشخاص تمسک بجوید و از آنان این چیزها را تقاضا کند یا از خداوند به‌وسیله آن‌ها سؤال کند که او را عطا کند، بدون اینکه به آنچه انبیا از طرف خداوند آوردند، عمل کرده باشد.^۳

رشید رضا دعا لغیرالله را به‌عنوان آیین بت‌پرستی می‌شمارد و واژه توسل را برای آن به کار می‌برد: «...القاعدة الوثنية في التماس النفع ودفع الضرر ودرجات الآخرة بالتوسل

۱. برای اطلاعات بیشتر رک: فرمانیان، مهدی و معینی‌فر، محمد، «رابطه توسل، شفاعت و استغاثه؛ بازخوانی محل نزاع و نقد آن»، سلفی پژوهی، ص ۴۵-۶۱.

۲. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۶، ص ۳۰۷.

۳. رشید رضا، محمد، مجله المنار، ج ۲۷، ص ۴۱۹.

بِأَشْخَاصِ الصَّالِحِينَ»^۱ «این آیین بت‌پرستی است که برای منفعت‌جویی و دفع مصیبت‌ها و رسیدن به درجات اخروی به صالحان و پاکان متوسل شویم.»

به‌نظر می‌رسد رشید رضا برای تعمیم مفهوم توسل دو دلیل مهم داشته است: یکی اینکه عموم مردم میان این مفاهیم فرقی نمی‌گذارند و از آنجایی که مخاطب اصلی او عموم مردم‌اند، لزومی برای تفکیک میان توسل، استغاثه و طلب شفاعت ندیده است، بلکه با توجه به عملکرد مردم به نقد آن پرداخته است. دوم آن‌که، از نظر وی طلب حاجت و طلب شفاعت نیز برآمده از پندار واسطه‌گری است، چنان‌که او کلمه «وسطاء» را در خیلی از عبارت‌ها به کار برده است که نشان می‌دهد، واسطه‌گری را بالعموم سرزنش می‌کند. او توسل به‌معنای قسم دادن پیامبر اسلام در خواسته‌هایی که انسان از خداوند دارد، را در مواردی مطرح می‌کند و این اصطلاح را به متأخران نسبت می‌دهد. چنان‌که بیان می‌کند: «توسل نزد بسیاری از متأخران به‌معنای قسم دادن خداوند و خواستن از خداوند به وسیله پیامبر اسلام ﷺ است.»^۲ رشید رضا این نوع توسل را نیز غیرمشروع دانسته است، اما برای اثبات دیدگاه خود به قابل اثبات نبودن مشروعیت این‌گونه نوع توسل و ردّ دلایل قایلان به این‌گونه توسل بسنده کرده است.^۳ در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که رشید رضا از توسل، واسطه‌گری صالحان را به‌طور عام مدّ نظر داشته است.

در رابطه با وسیله در قرآن کریم به‌طور مطلق دستور وسیله‌جویی برای رسیدن به خداوند آمده است.^۴ رشید رضا، همان‌طور که در ذیل آمده است، معتقد است که وسیله امری توقیفی است؛ یعنی بیان آن موکول به امر شرعی است و شارع نیز وسیله را در دو چیز خلاصه کرده است: یکی ایمان و دوم، عمل صالح.

سخن‌نهایی آن است که هر چیزی که به خداوند نزدیک کند و امید به رسیدن به رضای او از طریق آن باشد، وسیله است. البته این همان چیزی است که خود خداوند برای انسان جعل کرده است تا به تزکیه نفس برسد؛ چون مدار و محور

۱. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۱۰، ص ۱۱۲.

۲. همان، ج ۶، ص ۳۰۹.

۳. همان، ص ۳۱۰.

۴. سورة مائده، آیه ۳۵.

فلاح بر تزکیه نفس است.^۱

او در مقام دیگر، به بیانی صریح‌تر، توقیفی بودن وسیله را این‌گونه بیان می‌کند:

وسيله به هرآنچه اطلاق می‌شود که بتوان از طریق آن به خداوند رسید؛ یعنی هرآنچه که انسان را به رضای خدا و تقرب به او برساند و روز قیامت مستحق پاداش کند، وسیله است و شناخت صحیح آن بدون بیان حق تعالی امکان ندارد. چنان‌که خداوند از طریق وحی رسالی آن را بیان کرده است.^۲

به اعتقاد وی امکان ندارد کسی به وسیله شخص رسول به خداوند تقرب بجوید، بلکه به پیام او بایستی تمسک کرد.^۳ نتیجه آنکه وسیله از نظر رشید رضا باید به‌طور صریح در بیان شرعی آمده باشد و آنچه که بیان شده این است که ایمان و عمل صالح تنها وسیله برای رسیدن به خداوند هستند و هرگونه وسیله دیگری مشروع نیست.

حکم توسل از نظر رشید رضا

توسل از نظر رشید رضا سه گونه است؛ یکی توسل صحیح، دیگری توسلی که موجب شرک است و سوم، توسلی که نامشروع است، اما به حد شرک نمی‌رسد. رشید رضا با الهام و تبعیت از رسال ابن تیمیه با عنوان «قاعدة جلیلة في التوسل والوسيلة» که آن را دو بار به چاپ رسانده است و چندین بار به آن استناد کرده است،^۴ توسل صحیح را منحصر در دو چیز می‌داند: اول) توسل به طاعت پیامبر، که رشید رضا آن را اساس دین می‌داند؛ دوم) توسل به دعای رسول خدا ﷺ، در زمان حیات ایشان و به شفاعت ایشان در روز قیامت.^۵ به نظر می‌رسد تنها فرقی که میان ابن تیمیه و رشید رضا می‌توان دریافت این است که رشید رضا نوع اخیر توسل را در درجه دوم اهمیت قرار داده است، لذا در جمع‌بندی خود نه تنها طلب دعا و شفاعت را به عنوان وسیله مطرح نکرده است، بلکه سخنانی ذکر کرده است که بی‌تأثیر یا لااقل کم‌تأثیر بودن دعای پیامبر ﷺ را نشان می‌دهد.

۱. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۶، ص ۳۱۱.

۲. همان، ص ۳۰۵.

۳. همان، ج ۳، ص ۲۸۶.

۴. همان، ج ۶، ص ۳۰۷.

۵. همان، ص ۳۰۹-۳۰۸.

دهد. چنان که می‌آورد:

نعم، دلت السنة على أن دعاء المؤمن لغيره قد ينفعه، لكن ثبت في الصحيح أن النبي صلى الله عليه وسلم دعا الله وسأله ألا يجعل بأس أمته بينها فلم يعطه ذلك، وثبت أيضا أنه صلى الله عليه وسلم كان حريصا على إيمان عمه أبي طالب وأن الله أنزل عليه في ذلك ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾؛

یعنی هرچند دعای مؤمن نیز طبق برخی روایات نافع است، اما دعای رسول خدا درباره برخی، ازجمله درباره ابوطالب، نتیجه‌بخش نبوده است؛^۱ یعنی به‌جای بحث در تأثیر دعای پیامبر ﷺ آن را به دعای مؤمن عادی کاهش رتبه می‌دهد، آنگاه برای همان نیز در مورد پیامبر ﷺ موارد نقض برمی‌شمارد. از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که رشید رضا در نفی توسل گامی فراتر از ابن تیمیه برداشته است.

اما توسلی که از نظر رشید رضا با وجود نامشروع بودن آن به حدّ شرک نمی‌رسد، قسم دادن خداوند به ذوات صالحان و درخواست از خداوند به جاه و مرتبه آنان است.^۲ گونه سوم توسل که به شرک می‌رسد، هرگونه حاجت‌خواهی مستقیم از غیرخداوند است؛ چه دنیوی باشد و چه اخروی. (مقصود وی استغاثه و طلب شفاعت از صالحان همراه اعتقاد به سلطه غیبی آن‌هاست).^۳ از آنجایی که رشید رضا روی این قسم توجه بیشتری نشان داده است، نوشته حاضر نیز روی آن متمرکز شده است.

نقد دلایل رشید رضا در مسئله توسل

رشید رضا مبارزه با آنچه که او بدعت و شرک می‌پنداشته است را در دستور کار خود داشت، لذا با کوچک‌ترین بهانه‌ای مباحثی، مانند واسطه‌گری مشرکان، را مطرح و کارهای مسلمانان را با آن مقایسه می‌کرده است. از این رو دلایلی که او مطرح کرده است گاه ارتباط بسیار اندکی با بحث دارد. منافات داشتن با خلوص در عبادت، شرک عبادی بودن توسل، عدم صلاحیت وسیله بودن در انبیا، عدم وجود این تفکر در سلف و در

۱. همان، ص ۳۱۱.

۲. همان، ص ۳۱۰-۳۱۱.

۳. همان، ج ۳، ص ۲۸۶؛ مجله المنار، ج ۲۷، ص ۴۲۱-۴۱۹.

نهایت منافات داشتن آن با روح اسلام ازجمله دلایلی است که او برای نقد توسل ارائه کرده است که در ادامه مطرح و نقد می گردد.

۱. منافات داشتن توسل با خلوص در عبادت

رشید رضا توسل به صالحان را منافی با اخلاص در عبادت می داند. شکی نیست که خلوص در عبادت امری مطلوب و پسندیده نزد خداوند است، اما اختلاف در تطبیق آن است. به گفته او هر کس، غیرخدا را بخواند او در واقع همان واسطه را عبادت کرده است: «وَمَنْ جَعَلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ وَاسِطَةً فِي الْعِبَادَةِ كَالدُّعَاءِ فَقَدْ عَبَدَ هَذِهِ الْوَاسِطَةَ مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ لِأَنَّ هَذِهِ الْوَاسِطَةَ تُتَفَى إِلَيْهَا خِلَافَ الْإِخْلَاصِ اِئْتَفَى الْعِبَادَةُ»؛ «هر کسی میان خود و خداوند واسطه در عبادتی مانند دعا قرار دهد، درواقع آن واسطه را عبادت کرده است، پس چون اخلاص منتفی شد، عبادت هم منتفی است».^۱ وی برای تقریب ذهن به این آیه کریمه استدلال می کند: «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى»؛^۲ «آگاه باشید که دین خالص از آن خداست و آن ها که غیرخدا را اولیای خود قرار دادند (دلیلشان این بود که) این ها را نمی پرستیم، مگر بخاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند». نحوه استدلال به این صورت است که طرز فکر آن ها واسطه خواهی بوده است؛ اما خداوند فرمود که آن ها به غیرخداوند رو آوردند و آن ها را اولیا قرار دادند. او نتیجه می گیرد که طلب حاجت از غیرخداوند عبادت او به حساب می آید است، چنان که آورده است: «وَقَدْ غَفَلَ عَنْهُ مَنْ أَجَازُوا لِلْعَامَةِ اتَّخَذَ أَوْلِيَاءَ يَتَوَجَّهُونَ إِلَيْهِمْ بِالْدُّعَاءِ وَطَلَبِ الْحَاجَاتِ وَيَسْمُونَ ذَلِكَ تَوْسُلًا بِهِمْ إِلَى اللَّهِ إِنَّمَا هُوَ عِبَادَةٌ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ»؛^۳ «از این مسئله غفلت ورزیدند کسانی که به مردم اجازه اتخاذ اولیایی دادند که از طریق دعا و طلب حوائج به آن ها توجه می کنند و نام توسل الی الله را روی آن می گذارند، درحالی که آن ها جز عبادت آن اولیا کار دیگری انجام نمی دهند».

۱. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۳، ص ۲۸۵.

۲. سوره زمر، آیه ۳.

۳. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۳، ص ۲۸۶.

در بیان دیگری او صرف تقرب جستن به غیر خداوند به قصد برآورده شدن حوایج را عبادت او به حساب می‌آورد:

هر کسی از طریق عبادت به غیر خداوند تقرب بجوید تا وسیله او به خداوند باشد، او را به خداوند نزدیک کرده است و شفیع او پیش خداوند باشد یا تصرفی در حق او انجام دهد، این توجه و تقرب در همین حد عبادت او است.^۱

چنان‌که ذکر شد پیش‌فرض رشید رضا این است که صرف خواندن دیگران برای حوایج خود، عبادت است، پس تقرب جستن از طریق همان خواندن (استغاثه و طلب شفاعت) نیز عبادت خواهد بود.

بررسی و نقد

اولاً، استغاثه و طلب شفاعت از انبیا و اولیا عبادت نیست؛ چون عبادت آن عملی است که انسان با اعتقاد به الوهیت معبود انجام دهد.^۲ از این‌رو خواندن کسی تا زمانی که بدون اعتقاد به الوهیت باشد، عبادت نیست. رشید رضا این شرط را نمی‌پذیرد و به‌جای آن اعتقاد به سلطه غیبی را در مفهوم عبادت دخیل می‌داند،^۳ لذا طبیعی است که او واسطه‌گری را عبادت قلمداد کند. اما این معیار درستی نیست؛ چون نمونه‌های متعددی در قرآن وجود دارد که سلطه غیبی (محدود) غیر خداوند را مطرح می‌کند و طبیعتاً این آیات به اعتقاد به سلطه یادشده رهنمون می‌شود، چنان‌که به تصریح قرآن حضرت عیسی علیه السلام قادر بود از طریق غیب به ذخیره‌های خانگی مردم خبر دهد، مرده‌ها را زنده کند و بیماری‌های پیچیده را درمان کند.^۴ همچنین یوسف پیامبر علیه السلام فرمود: «پیراهن مرا بر

۱. همان، ص ۲۸۶.

۲. طبق پژوهش‌های انجام‌شده، مفهوم عبادت از سه مولفه تشکیل شده است: معبود، عابد، و عمل عبادی. معبود بایستی اله باشد، البته واقعی بودن اله مطرح نیست، بلکه اعتقاد عابد به اله بودن او کافی است. در عابد خضوع شرط است، یعنی او حالت خضوع در ضمیر خود داشته باشد، سوم رجحان و مطلوبیت نفس عمل است، پس عبادت عملی راجح از روی خضوع در مقابل اله است. (ر.ک: قاضی‌زاده، حسین، «ارکان و مقومات مفهوم عبادت»، سراج منیر، ج ۱۴، ص ۱۰۹).

۳. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۱، ص ۳۳ و ۴۸. وی هر چند در مفهوم عبادت از این‌تیمیه تأثیر پذیرفته است، اما افزوده‌ای نیز بر تعریف وی دارد، چون این‌تیمیه عبادت را نهایت خضوع همراه با نهایت محبت می‌داند. (ابن تیمیه، احمد، العبودیة، ص ۴۸؛ همو، الفتاوی الکبری، ج ۵، ص ۱۵۸). اما رشید رضا متعلق آن خضوع را نیز می‌افزاید و آن ناشناخته بودن عظمتی است که به‌دلیل آن خضوع صورت گرفته است.

۴. سورة مائده، آیه ۱۱۰.

چشمان پدر بگذارید تا بینا شود».^۱ این کار حضرت یوسف تصرف در هستی با اذن خداوند بوده است. همچنین حضرت موسی با زدن عصا دوازده چشمه جاری کرد،^۲ درحالی که جاری کردن چشمه ها کار خداوند است. به علاوه در احضار تخت ملکه سبأ نیز قدرت غیرعادی به کار گرفته شد و قوانین عرفی هستی زیر پا گذاشته شد.^۳ خود حضرت سلیمان بر جن و پرندها سلطه داشته است، لذا هدهد در اختیار او بود و جئان هم برای او کار می کردند^۴ و هوا نیز در اختیار او بود.^۵

پس معیار اعتقاد به الوهیت، اعتقاد به سلطه غیبی غیرخدا نیست، بلکه اعتقاد به استقلال یا عدم استقلال آن ذات است؛ یعنی تصرفات در هستی به طور مستقل تنها از جانب خداوند است، اما با اذن خداوند امکان دارد به دیگران انتقال داده شود و تصرفات مذکور چنین خاصیتی دارند. حتی درخواست های انسان ها از انبیا براساس اعتقاد به چنین سلطه (غیرمستقل) نیز در قرآن مطرح شده است، چنان که استسقای قوم موسی علیهم السلام از آن حضرت براساس همین اعتقاد بوده است.^۶ برخی صاحب نظران به درستی این نکته را متذکر شده اند که واژه «سلطه غیبی» غلط انداز و موهیم سلطه مطلقه است، درحالی که ما آن را استعداد روحانی می نامیم که خداوند به برخی بندگان خاص خود بخشیده است و می توانند به کارهای غیرعادی بپردازند.^۷

ثانیاً، اگر طلب حاجت از دیگران با اخلاص منافات داشته باشد، نباید فرقی میان حیات و ممات باشد، چون موت یا زندگانی آن واسطه ربطی به خلوص کسی که طلب دعا می کند، ندارد، درحالی که رشید رضا طلب، به تبع ابن تیمیّه، دعا در دوران حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را جایز دانسته است.^۸ ممکن است گفته شود که درخواست در حیات اساساً

۱. سورة يوسف، آیه ۹۳.

۲. سورة بقره، آیه ۶۰.

۳. سورة نمل، آیه ۴۰.

۴. سورة نمل، آیه ۱۷.

۵. سورة ص، آیه ۳۶.

۶. سورة اعراف، آیه ۱۶۰.

۷. طاهر القادری، محمد، استغاثه و جایگاه شرعی آن، ص ۸۳.

۸. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۶، ص ۳۰۸-۳۰۹.

ربطی به سلطه غیبی ندارد، بلکه یک درخواست عادی، مانند آب خواستن از دیگری، است، برخلاف درخواست از مردگان که به معنای پذیرش سلطه غیبی و تسلط آنان بر عالم هستی است. این تفاوت در صورتی درست است که ما درخواست همراه با پذیرش سلطه غیبی را به معنای عبادت بدانیم، اما چنان که گذشت برای صدق مفهوم عبادت این اعتقاد کفایت نمی‌کند، بلکه اعتقاد به مستقل بودن آن ذات نیز شرط است. واقعیت این است که حاجت‌خواهی از دیگران اصلاً در زمره عبادت قرار نمی‌گیرد، چون تنها خضوع در برابر سلطه غیبی عبادت نیست، بلکه عبادت، خضوع خاصی است در برابر کسی که اله، یعنی مالک مدبر، پنداشته شود.

۲. عنصر شرک در واسطه‌گری

رشید رضا گامی فراتر از خلوص در عبادت نهاده است و واسطه‌گری را امری مشرکانه قلمداد کرده است. او معتقد است:

شرک یعنی خاضع و تسلیم شدن در برابر سلطه‌ای غیبی که فراتر از اسباب و سنت‌های معروف هستی باشد، بدین صورت که به صاحب آن سلطه امید ببندیم و از او هراس داشته باشیم که مخلوقات از مثل او عاجز باشند. اگر کسی معتقد باشد که کسی دیگر در این سلطه شریک اوست، این هم مؤمن و هم مشرک است.^۱

سپس خواندن آن‌ها و واسطه قرار دادن آنان را شرک می‌پندارد و می‌گوید: «وَهُوَ التَّوَسُّلُ بِهِمْ إِلَى اللَّهِ وَتَوَسِّطُهُمْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ تَعَالَى...»؛^۲ «این همان وسیله قرار دادن این ذوات نزد خداوند و واسطه قرار دادن میان آن‌ها و خداوند است که قوی‌ترین نوع شرک از نظر خداوند است که در قرآن مطرح شده است». وی در جای دیگر این مسئله را در کنار ذبح لغیرالله و دعا لغیرالله این‌گونه مطرح کرده است

تعب در ذبح به غیرخداوند نیز مانند دعای غیرالله شرک است و همچنین است بقیه چیزهایی که عبادت «غیرالله» به حساب می‌آیند، هرچند آن غیر را به عنوان

۱. همان، ج ۵، ص ۶۷.

۲. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۵، ص ۶۸.

واسطه به سوی خداوند قرار دهد، تا از طریق او به خداوند تقرب بجوید».^۱

بررسی و نقد

مرکز ثقل استدلال، آیه «ما نعبدهم الا ليقربونا الى الله زلفى»^۲ است که از آن به عنوان دستاویزی برای شرک دانستن واسطه‌گری استفاده شده است. درحالی که اگر در مضمون آیه دقت شود، خود توسل را به عنوان عمل شرک‌آمیز نمی‌خواند، بلکه عبادت را عمل مشرکانه دانسته است؛ یعنی درواقع می‌فرماید کسانی که غیرخداوند را به عنوان ولی و سرپرست خود می‌دانند، عبادت خود را این گونه توجیه می‌کنند که این‌ها فقط واسطه‌اند و ما را به خداوند نزدیک می‌کنند، اما خداوند می‌فرماید که این سخن نادرستی است؛ چون اگر این گونه بود، آن‌ها خداوند را عبادت می‌کردند و به قیامت معتقد بودند، اما این طور نیست. لذا در ذیل همان آیه، به «کاذب کفار» (دروغ‌گوی ناسپاس) بودن آنان اشاره کرده است.^۳ و قضاوت درباره این گفته را به قیامت موکول کرده است.^۴ این نشان می‌دهد که آن‌ها فقط به دنبال توجیه سخنان خود بوده‌اند نه اینکه به وجود خداوندی که خالق، مالک، رازق و مدبر باشد، باورمند باشند. چنان که اگر چنین ذاتی را می‌پذیرفتند، هیچ‌گاه جلوی کسی دیگر سجده نمی‌کردند یا دست‌کم قسمت عمده عبادات خود را به خداوند اختصاص می‌دادند. اما بت‌پرستان این کار را نمی‌کردند، همان‌طور که واژه «من دون الله» در صدر آیه این را نشان می‌دهد و پژوهشگران اشاره کرده‌اند که این واژه علاوه بر «غیریت»، انفصال کامل از خداوند را نیز می‌رساند.^۵ با این بیان، سخن رشید رضا نقد می‌شود که می‌گوید: «فَلَمْ يَمْنَعْ تَوَسُّلَهُمْ بِالْأَوْلِيَاءِ إِلَيْهِ تَعَالَى أَنْ يَقُولَ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوهُمْ مِنْ دُونِهِ»؛^۶ «توسل جستن آنان از طریق اولیا به خداوند مانع از آن نشد که خداوند بگوید

۱. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۸، ص ۱۹-۲۰.

۲. سورة زمر، آیه ۳.

۳. «أَي لَا يَرِشِدُ لِدِينِهِ مَنْ كَذَبَ فِي زَعْمِهِ أَنَّ الْأَلَهِيَّةَ تَشْفَعُ لَهُ اللَّهُ تَعَالَى». (ر.ک: طبرانی، التفسیر الکبیر، ج ۵، ص ۳۶۲).

۴. چنان‌چه فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ»، سورة زمر، آیه ۳.

۵. رهنما، رضا و پارچه‌باف دولتی، محمد. «بررسی معنای عبارت «من دون الله» و نقد ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم»، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ص ۸۷-۱۱۰.

۶. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۳، ص ۲۸۶.

آن‌ها بتان را "من دون الله" اولیا قرار دادند». خلاصه نقد به این صورت است که ادعای آنان با عمل مشرکانه‌شان در تضاد قرار داشته و آنان واقعاً به خداوند مالک و مدبر باور نداشته‌اند، نه اینکه صرفاً وسیله قرار دادن علت مشرک بودن آنان باشد.

به بیان دیگر، توسل و واسطه‌گری علت شرک مشرکان نبوده است، بلکه خود عبادت بت‌ها علت شرک بوده است، لذا در این آیه نیز خداوند بحث عبادت را از واسطه‌گری جدا کرده است و فرموده است: «ما نعبدهم الا ليقربونا»؛ یعنی عبادت وسیله تقرب است، پس آنچه موجب شرک است، عبادت است، نه وسیله قرار دادن. همچنان که در آیه دیگر فرمود: «وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَنْصُرُهُمْ هَؤُلَاءِ شَفَعُونَ عِنْدَ اللَّهِ»؛ «آن‌ها چیزهایی را عبادت می‌کنند که سود و زیان به آن‌ها نمی‌رسانند و می‌گویند: "اینها شفیعان ما هستند"». ^۱ اینجا عطف عبادت بر شفاعت، نشان‌دهنده جدایی این دو مفهوم از همدیگر است. بلکه برخی محققان معتقدند که این آیه در تعدد مفهوم عبادت و طلب شفاعت صراحت دارد. ^۲ عبادت خضوع تام در برابر «اله» (مالک مدبر) است، درحالی که طلب شفاعت درخواست از اولیا جهت وسیله شدن برای جبران کاستی‌ها نزد خداوند است. ^۳

ثانیاً، برفرض تسلیم در برابر اینکه واسطه‌گری، امری مشرکانه باشد، این آیه از نظر سیاق، همانطور که برخی پژوهشگران نیز اشاره کردند، ^۴ در نفی واسطه‌گری بت‌ها آمده است و این دلیل نمی‌شود که هرگونه واسطه‌گری شرک باشد، چون نفی خاص، مستلزم نفی عام نیست.

۳. نفی استعداد وسیله بودن در انبیا و اولیا

رشید رضا معتقد است که پیامبر اسلام به‌طور مستقیم وسیله‌ای برای رسیدن به خداوند

۱. سوره یونس، آیه ۱۸.

۲. امین، سید محسن، کشف الازتیاب، ص ۴۲۶.

۳. در این باره بنگرید: اندیشه، هاشم، «بررسی تطبیقی شفاعت از منظر آیات و روایات و دانشمندان فریقین»، میقات حج، ص ۸۰-۵۵.

۴. سبحانی، جعفر، توسل، ص ۱۰۱.

نیست، بلکه از طریق او بایستی به کتاب خداوند و پیام وحی رسید و با عمل به پیام او می‌توان به خداوند تقرب جست. پس وسیله اصلی همان ایمان و عمل است. چنان‌که می‌گوید:

پیامبر اسلام به ما دستور داده است که ربانی باشید؛ یعنی مستقیماً با خداوند در ارتباط باشید و پیامبر اسلام را واسطه قرار ندهید و به شخص او توسل نجوید، بلکه وظیفه پیامبر، هدایت به سوی وسیله حقیقی، برای رسیدن به خداوند از طریق تعلیم کتاب و عمل به آن است که باعث می‌شود انسان نزد خداوند مقام کسب می‌کند. پس کتاب واسطه تقرب به خداوند است و رسول واسطه‌ای است که ما را به کتاب می‌رساند، چنان‌که فرمود: «ان عليك الا البلاغ»^۱، پس امکان ندارد کسی به وسیله شخص رسول به خداوند تقرب بجوید، بلکه بایستی به پیام او تمسک کرد.^۲

این استدلال شامل توسل خاص نیز می‌شود، چون هرگونه واسطه‌گری را در تنافی با ربانی بودن دانسته است. گاه او توسل به ذوات انبیا را در تنافی با پیروی از دستورات آن‌ها مطرح کرده است و می‌گوید: «کسانی برای برآورده شدن حوایج خود برخی از صالحان را می‌خوانند، به گمان اینکه توسل به ذوات آنان، به جای اتباع از پیام آنان که خداوند دستور داده است، مایه سعادت دنیا و آخرت است.»^۳

بررسی و نقد

در پاسخ آن می‌توان گفت: اولاً، ربانی بودن منافاتی با وسیله قرار دادن پیامبر اسلام ندارد، وگرنه لازم می‌آید کسانی از صحابه و تابعان که توسل به صالحان از آنها نقل شده است، ربانی نباشند. چنان‌که توسل عمر به دعای جناب عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر ﷺ، به خاطر قرابت خانوادگی وی با رسول خدا ﷺ صورت گرفته است.^۴ همچنین توسل مردم به قبر پیامبر ﷺ با سفارش عایشه انجام شده است.^۵ حال پرسش

۱. سورة شوری، آیه ۴۸.

۲. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۳، ص ۲۸۶.

۳. همان، ج ۷، ص ۴۵۶.

۴. بخاری، محمد، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۷.

۵. دارمی، عبدالله، سنن دارمی، ج ۱، ص ۴۴-۴۳.

این است که چرا این‌ها مستقیماً خواسته خود را از خداوند مسئلت نکردند؟ تنها پاسخی که وجود دارد این است که رسول خدا ﷺ را وسیله الهی می‌دانستند و در راستای تقرب به خداوند آن را به کار می‌گرفتند. به علاوه از اطلاق آیه وسیله نیز با کمک برخی از روایاتی که در رابطه با وسیله بودن پیامبر اسلام ﷺ وجود دارد، می‌توان استشهاد کرد،^۱ به ویژه آن که ابن تیمیه آن‌ها را به عنوان مفسر روایات صحیحیه تأیید کرده است.^۲ همچنین از وسیله جویی صحابه و تابعان که اشاره شد، دست کم می‌توان اطمینان کرد که آن حضرت از دایره این اطلاق بیرون نیست، پس تقیید این اطلاق بدون دلیل پذیرفته نیست.

دوم اینکه طبق آیه قرآن پیامبر اسلام به عنوان تطهیرکننده نفوس آن‌ها معرفی شده است: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ بِهَا وَتَزَكِّيَهُمْ﴾^۳ «از مال آن‌ها صدقه بگیرید و از طریق این صدقه آن‌ها را پاک کنید.» مرجع کلمه «تطهر و تزکی»، ضمیر مخاطب است که به خود پیامبر اسلام برمی‌گردد. این نشان می‌دهد چنان که رشید رضا پنداشته است، تنها عمل زکات وسیله نیست، بلکه همراه عمل، خود پیامبر اسلام نیز وسیله تطهیر و تزکیه است. لذا سید محسن امین می‌گوید که خود پیامبر اسلام ﷺ یکی از وسایل جلب رحمت خداوند است.^۴ آیه قرآنی مؤید آن است که وجود فیزیکی رسول خدا ﷺ را به عنوان وسیله برای دفع عذاب از این امت قلمداد کرده است، چنان که آمده است: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾^۵ «تا آن‌گاه که تو در میانشان هستی، خدا عذابشان نکند.» سوم اینکه، از نظر عقلی هیچ تنافی‌ای میان توسل به ذات و پیروی از پیام آنان وجود ندارد، بلکه می‌تواند هر دو مکمل و متمم همدیگر باشند. وی شاید در طرح این تنافی، تحت تأثیر برخی واقعیت‌های بیرونی قرار گرفته است و عادات انسانی را که تحت تأثیر

۱. مراکشی، محمد، مصباح الظلام، ص ۲۸-۲۶.

۲. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۱.

۳. سوره توبه، آیه ۱۰۳.

۴. امین، سیدمحسن، کشف الارتیاب، ص ۴۹۵.

۵. سوره انفال، آیه ۲۳.

فرهنگ است، جزء لوازم اعتقاد به توسل پنداشته است.

۴. بی‌بهره بودن از هدایت اجتماعی توحید

رشید رضا معتقد است توسل به صالحان امری است که ناشی از عدم فهم سنت‌های هستی و بی‌بهره بودن مردم از هدایت اجتماعی توحید است و این باعث عقب‌ماندگی مسلمانان شده است. منظور وی از هدایت اجتماعی توحید، شناخت سنت‌های الهی در هستی است که متشکل از نظام علی و معلولی است. این سنت‌ها تکوینی بوده است و ربطی به تشریع ندارد و لذا هر جامعه‌ای که آن‌ها را بشناسد در عرصه اجتماعی موفق‌تر عمل می‌کند. خلاصه بیان او این‌گونه است:

سعادت انسان در دنیا و آخرت مبتنی بر توحید خالص است که توسط دین بیان شده است و انسان‌ها به اندازه آگاهی‌شان از شریعت و سنت‌های هستی که هدایت اجتماعی عقیده توحید را بنیان می‌نهد، سعادتمند می‌شوند. پس هر اندازه که انسان‌ها به شرع و سنت‌های موجود در هستی و جوامع بشری آگاه باشند، حظی از سعادت نصیبشان می‌شود. این امر هدایت اجتماعی عقیده توحید را بنیان می‌نهد و ستون‌های شرک را از بین می‌برد که این شرک عبارت است از اعتماد مردم بر آنچه که آن‌ها میان خود و پروردگار خود واسطه‌ها قرار می‌دهند تا از طریق او به خداوند برسند. لذا می‌بینی که این مشرکان (واسطه‌گرایان) هر چند ادعای ایمان دارند، اما از رسیدن به اهدافشان عاجز ماندند. آن‌ها در برآورده شدن خواسته‌هایی مانند وسعت رزق و پیروزی بر دشمن و مسائلی از این قبیل بر توسل به انبیا و صالحان اعتماد می‌کنند، اما دیگری که چنین اعتقادی ندارند از نظر سلامت جسمانی سالم‌تر و از نظر رزق مرفه‌تر و از نظر سیاسی عزیزتراند.^۱

بررسی و نقد

رشید رضا اینجا دو مسئله را با هم خلط کرده است. شناختن یا نشناختن سنت‌های الهی ریشه در جهل انسان دارد. جهل مسئله‌ای است و شرک مسئله‌ای دیگر. عقب‌ماندگی

۱. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۸، ص ۲۲۱.

مسلمانان در عصر مدرن دلایل متعددی دارد، ارتباط دادن همه آن‌ها به شرک، نشانه سطحی‌نگری است. اگر لازمه هدایت اجتماعی توحید این باشد که تمامی علل فوق‌مادی نفی شود، این با نفی تأثیر دعا نیز هم‌خوانی دارد؛ چون حتی تضرع خالصانه در کعبه، در بارگاه خداوند و بدون هیچ واسطه‌گری نیز اگر بدون در نظر گرفتن سنت‌های هستی باشد، عقب‌ماندگی را به دنبال خواهد آورد. به تعبیری دیگر، دعا چه با واسطه‌گری و چه بدون واسطه‌گری اگر به معنای نادیده گرفتن سنت‌های خداوند در هستی و غفلت از علل و اسباب مادی باشد، عقب‌ماندگی را به دنبال خواهد داشت و این مسئله به جای شرک، ریشه در جهل انسان دارد، پس ارتباط دادن این بحث با توسل به صالحان بسیار نامعقول است.

۵. نبود توسل نزد سلف صالح

رشید رضا هرچند بر این اصل تکیه زیادی نداشته است، اما گاه به عنوان ردیه جانبی این گونه استدلال کرده است که توسل نزد سلف صالح رایج نبوده است. چنان‌که بیان کرده است:

از هیچ یک از صحابه، تابعان، علمای سلف صالح و عوام آن دوران به دست ما نرسیده است که «وسیله» در غیرآنچه که خداوند تشریع کرده است، یعنی ایمان و عمل صالح که دعا نیز جزء آن است، به کار رفته باشد. سپس در قرون وسطی توسل به اشخاص انبیا و صالحان پدید آمد؛ یعنی آن‌ها به عنوان وسایل الی‌الله نام‌گذاری شدند.^۱

بررسی و نقد

شواهد نشان می‌دهد که توسل و استغاثه در میان سلف صالح وجود داشته است، چنان‌که سقاف روایات متعددی در کتاب خود آورده است، از جمله آن‌ها روایت ابن عباس است که در آن توصیه به طلب یاری از بندگان نامرئی خداوند در حین پیش آمدن مشکلی بزرگ که راه‌حل نداشته باشد با این عبارت مطرح شده است: «یا عباد الله اعینونی». البانی این

۱. همان، ج ۶، ص ۳۰۷.

روایت را موقوفه حسنه دانسته است^۱ و هیثمی راویان آن را ثقه می‌داند.^۲ این می‌رساند که دست‌کم ابن عباس، به‌عنوان یک صحابی، استغاثه را که بالاترین مرتبه توسل است، قبول داشته است. همچنین استغاثه به قبر پیامبر ﷺ برای طلب باران، که عایشه، همسر پیامبر ﷺ، پیشنهاد داد، نیز نشان می‌دهد که او با این قضیه موافق بوده است.^۳ همچنین مالک بن انس، به‌عنوان تابع تابعان، منصور را به توسل سفارش کرده است و رسول خدا ﷺ را به‌عنوان وسیله خود مطرح کرده است.^۴

۶. ناسازگار بودن توسل با روح اسلام

رشید رضا با اینکه تحت تأثیر وهابیت، در مسئله صفات خبری، مانند آنان به ظاهر واژه‌ها پایبند بوده است،^۵ در عین حال در بسیاری از مسائل روح‌گرا و مقصدگراست و این شاید به‌دلیل تأثیرپذیری وی از استاد خود محمد عبده، باشد. لذا در ردّ توسل نیز به این استدلال متمسک شده است که واسطه‌گری میان انسان و خداوند با روح اسلام منافات دارد. به‌عنوان نمونه در ذیل آیه شریفه «ان اولی الناس بابراهیم للذین اتبعوه»^۶ می‌گوید: «توحید خالص آن است که شائبه توسل به شُفَعَا و وَسْطَا (واسطه‌گران) در آن نباشد و روح اسلام و مقصود ایمان همین است.»^۷ همچنین او می‌پندارد که دعوت دین برای نفی سلطه‌های غیبی از دیگران به حساب می‌آید.^۸

بررسی و نقد

برای ارزیابی این سخن، بایستی به‌جای تمسک به ظواهر آیات، از فضای مجموع دین

۱. ر.ک: البانی، محمد، صحیح الکلم الطیب، ص ۹۸، حدیث ۱۷۷، موقوف در برابر مرفوع است، به روایتی گفته می‌شود که تا صحابی متوقف شود و به رسول خدا ﷺ نرسد. حسن با صحیح فقط در ضابط بودن راوی تفاوت دارد. (نک: سیدی، توفیق عمر، منهج الروایة ومیزان الدراية في الحديث الشريف لمعرفة الصحيح والحسن والضعيف، ص ۶).

۲. هیثمی، علی، مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۱۳۲، ح ۱۷۱۰۴.

۳. ر.ک: سقاف، حسن، الاغاثه بأدلة الاستغاثه، ص ۲۳.

۴. سمهودی، علی، وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۹۷.

۵. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۲، ص ۱۳۶.

۶. سورة آل عمران، آیه ۶۸.

۷. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۳، ص ۲۷۲.

۸. همان، ج ۱، ص ۳۱.

فهمید که آیا روح اسلام با واسطه‌گری، سلطه‌های غیبی و تصرفات غیبی مطلقاً در تضاد است یا خیر. مهم‌ترین تبیین‌کننده روح اسلام قرآن است. در نقد سخن نخست رشید رضا مبنی بر اینکه توحید خالص با نفی واسطه‌گری همراه است، باید گفت که در قرآن موارد زیادی وجود دارد که واسطه‌گری انبیا را مطرح کرده است، همان خدایی که می‌گوید: «من نزدیک هستم» و با کمال صراحت خواسته قوم موسی را این‌گونه مطرح می‌کند: ﴿فَادْعَ لَنَا رَبَّكَ﴾^۱ و آن را در تنافی با روح اسلام قرار نمی‌دهد. همچنین واسطه‌گری رسول خدا ﷺ را مطرح می‌کند، یعنی «اگر این مؤمنان نزد تو آمدند و استغفار کردند و شما نیز برایشان استغفار کردید، آن‌ها خداوند را غفور و رحیم خواهند یافت».^۲ پس نتیجه می‌گیریم که مطلق واسطه‌گری را نفی نکرده است، بلکه واسطه‌گری بت‌ها را نفی کرده است و رشید رضا بدون توجه به این نکته و به‌گونه‌ای از طریق قیاس مع الفارق سعی در نشان دادن نکته اشتراک می‌کند.

همچنین در قرآن کریم سلطه‌های غیبی به صورت محدود و معین به غیرخداوند نسبت داده شده است. چنان‌که ازجمله این سلطه‌های غیرعادی که در قرآن مطرح شده است می‌توان به این موارد اشاره کرد: سلطه غیبی حضرت عیسی علیه السلام نسبت به مرگ و زندگانی و نیز بر ذخیره‌های خانگی و آنچه که آن‌ها می‌خوردند،^۳ سلطه آصف بن برخیا نسبت به تخت بلقیس،^۴ سلطه حضرت داود نسبت به آهن که در دست او نرم می‌شد.^۵ جالب است رشید رضا در یکی از شماره‌های مجله المنار نوشته‌ای از ابن قیم منتشر کرده است که آن‌جا در دعایی که به عنوان حدیث قدسی مطرح شده است، این چنین تصرف غیرعادی به طور گسترده به مخلوقات نسبت داده شده است: «من تصرف بحولی وقوتی أَلْتُ لَهُ الْحَدِيدَ»؛^۶ «هر کس به حول و قوه من تصرفاتی در عالم انجام دهد، آهن را برای

۱. سوره بقره، آیه ۶۱.

۲. سوره نساء، آیه ۶۴.

۳. سوره آل عمران، آیه ۴۹.

۴. سوره نمل، آیه ۴۰.

۵. سوره سبا، آیه ۱۰.

۶. ابن قیم جوزیه، مدارج السالکین، به نقل از مجله المنار، ج ۱۷، ص ۱۹۳.

وی نرم می‌کنم.» این رویکرد، کاملاً تصوف‌مآبانه است و تصرفات در عالم را بدون اختصاص به فرد خاص پذیرفته است. حال باید دید که چگونه رشید رضا می‌تواند میان این دو نگاه، یعنی نگاه وهابیت‌گرایانه، مبنی بر نفی سلطه غیبی از انبیا و نگاه صوفی، مبنی بر تصرفات فوق‌بشری برای عموم، جمع کند.

نتیجه‌گیری

استدلال‌های رشید رضا در ردّ توسل به صالحان، با نقدهای جدی مواجه است. این نقدها به صورت نکات ذیل بیان می‌گردد: ۱. برخلاف پندار وی، واسطه‌گری با خلوص در عبادت منافاتی ندارد؛ چون واسطه قرار دادن صالحان اصلاً عبادت آنان نیست، چون حیث استقلال و الوهی مدنظر واسطه‌خواهان نیست، لذا منافاتی با خلوص در عبادت ندارد؛ ۲. شرک بودن واسطه‌گری از آیات به دست نمی‌آید؛ چون در آیات قرآنی صرف واسطه‌گری مشرکان به تها عبادت آنان قلمداد نشده است، بلکه عبادت و واسطه‌گری دو موضوع مستقل در قرآن ذکر شده است، از این رو عبادت بودن دعا تا وقتی که با اعتقاد به الوهیت همراه نباشد، قابل اثبات نیست؛ ۳. با توجه به شواهد قرآنی و روایی، وسیله بودن انبیا به دلیل جایگاهی که آنان نزد خداوند دارند، قابل خدشه نیست و بدین ترتیب ادعای عدم صلاحیت آنان برای وسیله شدن نیز مردود است؛ ۴. سنت‌های خداوند در هستی، اقتضایی از جهت نفی واسطه‌گری ندارد، لذا می‌توان با شناخت سنت‌های هستی نیز به واسطه‌گری پرداخت؛ ۵. قرآن کریم موارد زیادی را ذکر کرده است که سلطه غیبی انسان‌ها را فی‌الجمله ثابت می‌کند، و اگر مقتضای روح ایمان نفی مطلق سلطه‌های غیبی غیرخداوند باشد، بایستی وجود چنین آیاتی را مخالف با روح ایمان قلمداد کرد.

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. ابن تیمیه حرانی، تقی الدین ابوالعباس احمد، **العبودية**، تحقیق: محمد زهیر الشاویش، بیروت: مکتب اسلامی، چاپ هفتم، ۱۴۲۶ق / ۲۰۰۵م.
۳. ابن تیمیه حرانی، تقی الدین ابوالعباس احمد، **الفتاوی الکبری**، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۷م.
۴. امین، سیدمحسن، **کشف الارتیاب**، بیروت: مجمع عالمی اهل البیت، چاپ پنجم، ۲۰۱۱م.
۵. اندیشه، هاشم، «بررسی تطبیقی شفاعت از منظر آیات و روایات و دانشمندان فریقین»، **میقات حج**، ش ۱۰۱، ۱۳۹۶ش.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، **صحیح البخاری**، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر، دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۷. جمعی از نویسندگان، **مجلة المنار**، (۳۵ جلد)، برگرفته از نرم افزار مکتبة الشاملة.
۸. دارمی، عبدالله، **سنن الدارمی**، تحقیق: فواز احمد زمرلی و خالد سبع علمی، بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۹. رشید رضا، محمد، **تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)**، هیئة المصریة العامة للكتاب، ۱۹۹۰م.
۱۰. رهنما، رضا و پارچه‌باف دولتی، محمد. «بررسی معنای عبارت "من دون الله" و نقد ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم»، **مطالعات ترجمه قرآن و حدیث**، دوره پنجم، ش ۱۰، ۱۳۹۷ش.
۱۱. سبحانی، جعفر، **توسل (یا استمداد از اولیای خدا)**، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
۱۲. سقاف، حسن بن علی، **الإغاثة بأدلة الاستغاثة**، عمان: مکتبة الإمام النووی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۱۳. سمهودی، علی بن عبد الله، **وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی**، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۱۴. سیدی، توفیق عمر، **منهج الرواية وميزان الدراية فی الحديث الشریف لمعرفة الصحیح والحسن والضعیف**، بی‌جا: اکادمیة القاسمی، بی‌نا، برگرفته از مکتبة الشاملة.
۱۵. طاهر القادری، محمد، **استغاثة و جایگاه شرعی آن**، ترجمه: رئیس السادات سید عبدالحسین، قم: مجمع جهانی تقریب مذاهب، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
۱۶. طبرانی، سلیمان بن احمد، **التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم**، اردن: دار الكتاب الثقافی،

چاپ اول، ۲۰۰۸ م.

۱۷. فرمانیان، مهدی و معینی فر، محمد، «رابطه توسل، شفاعت و استغاثه؛ بازخوانی محلّ نزاع و نقد آن»، **سلفی پژوهی**، سال اول، ش ۱، ۱۳۹۴ ش.

۱۸. قاضی زاده، حسین، «ارکان و مقومات مفهوم عبادت»، **سراج منیر**، سال چهارم، ش ۱۴، ۱۳۹۳ ش.

۱۹. مراکشی، نعمان مزالی، **مصباح الظلام فی المستغیثین بخیر الأنام**، تحقیق: شکرى حسین محمد علی، بیروت: منشورات محمد علی بیضوی دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۴ م.

۲۰. هیثمی، علی بن ابی بکر، **مجمع الزوائد ومنبع الفوائد**، تحقیق: حسام الدین القدسی، قاهره: مکتبة القدسی، ۱۴۱۴ ق.

